

سال‌های بدون صدراعظم

دکتر محسن جعفری مذهب*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۹/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۱۴

چکیده

آغاز سال ۱۲۷۵ق.، آغاز تحول جدیدی در دستگاه اداری ایران بود و آن حذف پست صدراعظمی و تأسیس شورای دولتی متشکل از شش وزارتخانه داخلی، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه و وظایف و اوقاف است. ریاست شورای وزیران به میرزا جعفرخان مشیرالدوله واگذار شد. عمر شورای وزیران در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ق. با حکم ناصرالدین شاه به پایان رسید. در سال‌های بدون صدراعظم، چندین دستورنامه و آئین‌نامه به تصویب شورای دولتی و شاه رسید. در چند سال اخیر، دو دستورنامه مهم را کتابخانه ملی ایران خریداری کرده است که در این مقاله به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود. نخستین سند نسخه اصل دستورنامه سال ۱۲۷۹ ناصرالدین شاه و دومین سند جزو اسناد خاندان مستوفی و متعلق به سال ۱۲۸۲ق. است و حاکی از ضعف شورای دولتی و تلاش شاه برای جایگزین کردن یک هیئت سه نفره به جای آن است.

کلید واژه‌ها:

اسناد تاریخی / ساختار اداری / آئین‌نامه‌ها / ایران / رئیس دولت / شوراها / قاجاریه / ناصرالدین شاه، شاه ایران، ۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق.



آغاز سال ۱۲۷۵ق.، سرآغاز تحول جدیدی در دستگاه اداری ایران بود. در بیستم محرم، دستخط ناصرالدین شاه خطاب به میرزا آقاخان نوری، صدراعظم صادر شد: (اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۳۱۲؛ همو، تاریخ منتظم ناصری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸۰۹)

«جناب صدراعظم! چون شما جمیع امورات دولتی را به عهده خود گرفتید و احدی را شریک و سهیم خود قرار نمی‌دادید، معلوم شد قوه یک شخص شما از عهده جمیع خدمات ما برنیامد و در این بین، خبطها و خطاها اتفاق افتاد و کم‌کم امورات دولت معوق ماند و شما البته در دولتخواهی راضی نمی‌شوید که ما در این حالت مجبور باشیم و امورات را غیرمنتظم ملاحظه فرمائیم. لہذا امروز - که روز بیستم محرم الحرام است - شما را از منصب صدارت، و نظام‌الملک وزیر لشکر را، از مناصب خود معزول فرمودیم. در خانه خود آسوده باش، در نهایت اطمینان و امنیت از جانب ما. یقیناً بجز التفات در حق شماها، ابدأ کاری نخواهیم کرد. التفات‌های زبانی و اطمینان ما هم - آنچه لازم بود و مکنون قلب ما - به حاجب‌الدوله فرمودیم که به شما بگوید. سنه ۱۲۷۵»

نظر شاه، بر این قرار گرفت که مسئولیت‌های عمده اجرائی بر عهده یک نفر نباشد تا به دیکتاتوری صدراعظم نینجامد. لذا شورای دولتی، براساس شش وزارتخانه داخلی، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه و وظایف و اوقاف تأسیس شد. - محمدصادق قائم‌مقام، ملقب به امین‌الدوله شده به وزارت داخله؛

- میرزا سعید خان انصاری مؤتمن‌الملک، به وزارت خارجه؛

- میرزا محمدخان کشیکچی باشی ملقب به سپهسالار، به وزارت جنگ؛

- میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک (جناب آقا)، به وزارت مالیه؛

- عباسقلی خان جوانشیر ملقب به معتمدالدوله، به وزارت عدلیه؛

- و میرزا فضل‌الله نصیرالملک، به وزارت وظایف و اوقاف، انتخاب شدند. (اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۳۱۲-۱۳۱۳؛ همو، تاریخ منتظم ناصری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸۰۹)

قرار شد وزیران در وزارتخانه‌ها استقلال داشته باشند و در مسائل عمومی مملکت به صورت شورائی عمل کنند. تصمیم شورا، فقط پس از تصویب شاه قابل اجرا بود. ریاست شورای وزیران،^۱ به میرزا جعفرخان مشیرالدوله واگذار شد. در حکم شاه آمده بود: (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۲، ص ۱۳۱۴)

«صورت دستخط مبارک

چون مشیرالدوله را در صداقت و دولتخواهی بارها آزمایش فرموده‌ایم و کمال وثوق و اعتماد به کفایت و کاردانی او داریم و او را خیرخواه و مخلص می‌دانیم، علی‌هذا ریاست شورای دولت را - که از امورات معظمه است - به عهده کفایت او محول می‌فرمائیم که در این امر، روز به روز صداقت و دولتخواهی و غیرت خود را به عرصه ظهور رساند و بدان واسطه، التفات و مرحمت ما را در حق خود بیفزاید. ششم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۷۵»

تا سال ۱۲۷۶ق.، بتدریج وزارتخانه‌های دیگر تأسیس و وزرای آنها نیز در شورای وزیران حاضر شدند: - وزارت علوم، به وزارت علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه؛ - وزارت تجارت و صنایع، به وزارت محمودخان قراقرزلی ناصرالملک؛

علاوه بر این وزیران، محمدحسین خان فراهانی دبیرالملک، و فیروز میرزا نصرت‌الدوله، حاکم تهران نیز، در شورای وزیران شرکت می‌کردند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۲، ص ۱۳۴۰)

در سال ۱۲۷۷ق.، شاه روزهای یکشنبه را به شنیدن عرایض مردم اختصاص داد. در دستخط شاه تصریح شده بود:

«روزهای یکشنبه، نباید وزرا و غیره عرض خارجی بکنند از قبیل نوشتجات ولایات و غیره و غیره و غیره»



جمعه، تعطیل خواهد بود. حرره فی شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۸۳»
 در سال ۱۲۸۴، دستورنامه دیگری صادر شد:
 (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۳، صص ۱۵۶۸-۱۵۶۹)
 «در این اوان، ایام هفته به اشاره علیه، به نحو مسطور در ذیل تقسیم شده است:
 شنبه:

چون اول ایام هفته است، برای عامه چاکران حقی در شرفیابی حضور مبارک خواهد بود. در صورت اقتضای رأی صواب نمای ملوکانه، مجلس سلام و بارعام منعقد شده، چاکران درباری شرف‌اندوز می‌شوند و الا مخصوص احضار بعضی از شاهزادگان و وزرا و امرا و سایر طبقات اصناف خدم از مستوفیان و صاحب‌منصبان نظام و لشکرنویسان و غیره و اوامر شفاهیه خواهد بود.
 یکشنبه:

به قانونی که سابقاً مقرر بود، دیوان مظالم، خاص ملاحظه عرایض دیوانخانه عدالت است. عرایض صندوق عدالت نیز، در این روز به شرف ملاحظه همایونی می‌رسد. بالمناسبه، عرایض متعلقه به وظایف و اوقاف هم به توسط وزارتخانه وظایف در این روز به عرض خواهد رسید.
 دوشنبه:

روز تعطیل است و بعضی از دوشنبه‌ها را به میدان مشق و قورخانه و ملاحظه احوال متعلمین مدرسه دارالفنون و غیره اشتغال خواهند فرمود.
 سه‌شنبه:

بروات و فرامین و احکام و ارقام دولتی، به ملاحظه و تصحیح همایونی خواهد رسید. از هر وزارتخانه برات و فرمان و حکمی باشد، روز مزبور به حضور مبارک خواهند فرستاد، لاغیر. عرایض و فهرست و مستدعیات متفرقه نیز، خارج از حوزه دیوانخانه در این روز به عرض می‌رسد. عرایض و نوشتجات نواب والا اعتضادالسلطنه و امین‌الدوله و سایر مطالب و عرایض از هر مقوله نیز، در این روز تقدیم حضور مبارک خواهد شد.

این روز، مخصوص است از برای رسیدگی [به] عرایض و مطالب عموم مردم؛ مگر امر بسیار واجبی روی دهد و البته باید به عرض برسد ...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۲، صص ۱۳۶۸)
 معلوم نیست که در چند سال اولیه عمر شورای وزیران، حضور وزیران نزد شاه چگونه بوده و ظاهراً آئین‌نامه‌ای در این باره وجود نداشته است. به هر صورت در سال ۱۲۷۹ (پنجمین سال عمر شورای وزیران)، تصمیم شاه این‌گونه اعلام شد:

«این اوقات ایام هفته را تقسیم کرده، در هر روزی ذات ملکوت صفات مقدس، به عرایض یکی از وزرا رسیدگی می‌فرمایند و مطلب فوری که پیدا شود، همان وقت به عرض می‌رسد، و روز دوشنبه - که روز تعطیل [شورای وزیران] است - محض این که هیچ امری معوق نماند، احکام و بروات و فرامین به صحنه همایون می‌رسد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۳، صص ۱۴۲۰)

در سال ۱۲۸۳ ق. - که دستورنامه جدید تقسیم وظایف شورای وزیران ابلاغ شد - حضور وزیران هم در نزد شاه تغییراتی یافت: (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۳، صص ۱۵۱۶-۱۵۱۷)

«دبیرالملک و معیرالممالک، به جهت این که انتظام امور دارالخلافه و خزانه سپرده به آن‌هاست، تعیین وقت برای آن‌ها مناسب نیست. در وقت ضرورت عرایض خود را خواهند رسانید و کذلک سایر وزرا هم، هر یک عرض و مطلبی فوتی و فوری داشته باشند، در هر وقت مأذون به عرض خواهند بود. البته بدون تخلف می‌باید همگی از همین قرار رفتار نمایند:

شنبه وزیر جنگ؛

یکشنبه وزیر عدلیه؛

دوشنبه وزیر مالیه؛

سه‌شنبه وزیر دول خارجه و وزیر وظایف؛

چهارشنبه امین‌الدوله و ظهیرالدوله؛

پنجشنبه اعتضادالسلطنه و اعتضادالدوله؛



چهارشنبه:

به امور مالیه از قبیل محاسبات خزانه عامره و کتابچه‌های دستورالعمل ولایات و محاسبات گذشته و مهمام متعلقه به تمام ممالک محروسه رسیدگی می‌شود و کلیه امور متعلقه به وزارتخانه استیفا، مخصوص این روز است.

پنجشنبه:

مخصوص عرایض وزارت جنگ و خارجه است. عرایض و مطالب این دو وزارتخانه، در این روز به حضور مبارک رسیده، جواب صدور می‌یابد بجز بروات و فرامین که باید روز سه‌شنبه به حضور بفرستند.

جمعه:

نیز تعطیل است و روز فراغت.»

عمر شورای وزیران، به ده سال نکشید و با انتخاب میرزا حسین خان سپهسالار به صدارت عظاما در بیست و نهم شعبان ۱۲۸۸ ق.، شورای وزیران به فراموشی سپرده شد. در حکم شاه آمده بود: (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان، ج ۳، صص ۱۶۶۵-۱۶۶۶)

«سواد دستخط مبارک

چون در هر دولت رسم و قرار این است که یک نفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت می‌نمایند و نظم جمیع امور از لشکر و کشور و مالیات و جمع و خرج و آسودگی حال رعایا را از او می‌خواهند و چون این امر دولت ایران متروک و مهمل مانده بود و بدین واسطه، بعضی اختلالات در امور دولت پیدا شده، لهذا در این وقت - که سنه ۱۲۸۸ قوی‌یل خیریت دلیل است - چنانچه مصلحت دانستیم که قاعده متداوله سابق را مجرا^۲ داشته، شخص کافی دولتخواهی را مسئول کرده، امور دولت را کلیتاً^۳ به او بسپاریم، میرزا حسین خان سپهسالار اعظم را - که از چاکران آزموده دولت است - به لقب صدارت اعظم سرافراز [می‌کنیم] و نیک و بد جمیع امور دولت را، از قشون و مالیات و حکام و ولایات و کل رتق و فتق دولت را از او خواهیم خواست. امیدوار هستیم که انشاءالله تعالی قصد تازه ملوکانه

ما را امداد نمایند. بندگان اقدس همایون شاهنشاهی - خلدالله ملکه و سلطانه - دستورالعمل نظم امور دولتی و مهمام مملکتی را به دستخط مبارک از این قرار مرقوم فرموده‌اند که جناب مستطاب صدراعظم، از همین قرار مجرا^۴ دارند. کلیتاً^۵ در امورات دولت خواه کشور خواه لشکر خواه داخله خواه خارجه، باید صدراعظم بشخصه خود رسیدگی نمایند و امور دولتی را از این قرار مجرا^۶ دارند ...»

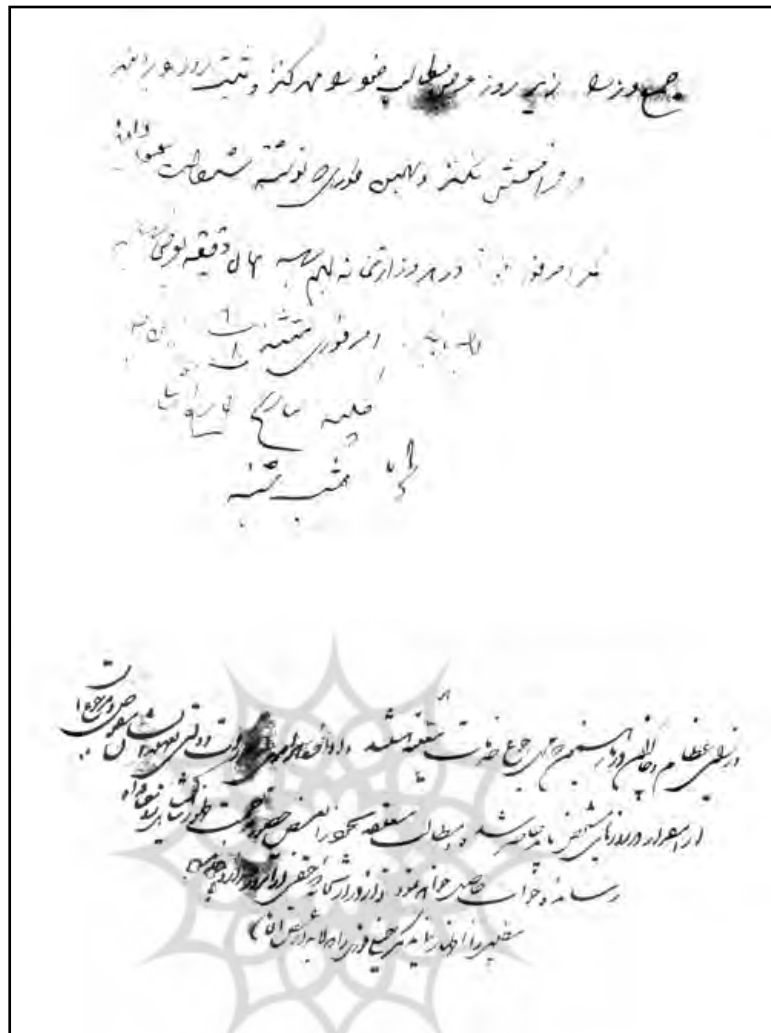
۱۳ سال بدون صدراعظم، تحولی مهم در تاریخ ایران بود. ناصرالدین شاه - که گمان می‌برد «قوة یک شخص شما از عهده جمیع خدمات ما برنیامد» - اکنون بدین نتیجه رسید که «قاعده متداوله سابق را مجرا^۷ داشته، شخص کافی دولتخواهی را مسئول کرده، امور دولت را کلیتاً^۸ به او بسپارد.»

در سال‌های بدون صدراعظم، چندین دستورنامه و آئین‌نامه به تصویب شورای دولتی و شاه رسید که بعضی از آن‌ها پیش‌تر منتشر شده است.^۹ در سال‌های گذشته، دو دستورنامه مهم را کتابخانه ملی ایران خریداری کرد که نگارنده در همین جا به معرفی آن‌ها می‌پردازد. هم از آن نظر که این دستورنامه‌ها، آئین‌نامه‌های اجرائی هستند و نه دستوری یا پیشنهادی.

نخستین سند که در سال ۱۳۷۹ ش. برای کتابخانه ملی ایران خریداری شد، نسخه اصل دستورنامه سال ۱۲۷۹ ناصرالدین شاه بود که دستخط شاه در بالای صفحه نخست آن نقش بسته و مهر و امضای همه وزیران، و اعلان رؤیت دستور شاه را بر خود داشت. متن سند مهم مزبور، چنین است:

ابتداء دستخط شاه ذکر شده است:

«جمیع وزرای زیر، روز عرض، مطالب خود را مهر کنند و ثبت روزانه بردارند که فراموش نکنند و به همین طوری که نوشته شده است، معمول دارند؛ مگر امر فوری فوتی در هر وزارتخانه به هم برسد، همان دقیقه به عرض برساند و جوابی بگیرد. امر فوری مستثناست^{۱۰} از این حکم



کلیتاً^{۱۱}

را به عرض برساند. به این‌طور که ایام هفته آنچه مطلبی که متعلق به عمل قشون است، یادداشت نماید از مطالب و عرایض صاحب‌منصبان و بروات و احکام نظام و فرامینی که به صحت همايون باید برسد و امورات جبه‌خانه و قورخانه و پیاده نظام، نفیراً^{۱۳} و قطمیراً^{۱۴} کائناً ماکان، در روز شنبه با حضور معین‌الملک و میرزا مصطفی وکیل لشکر به عرض برساند. در سایر روزها، به جهت شنبه دیگر مشغول یادداشت مطالب دیگر باشد و تا شنبه دیگر، از مطالب قشونی و بروات و احکام متفرقه نظامی به عرض حضور مبارک نخواهد رسید؛ مگر مطلب وزیری که در آن روز اگر به عرض نرسد وقت و موقع از دست خواهد رفت و آن را به عرض عریضه معروض خواهند داشت و الا در همان روز شنبه،

به تاریخ ۹ ربیع‌الثانی سنه ۷۹ شب شنبه
وزرای عظام و چاکران دربار همایون^{۱۳} - که محل رجوع خدمات معینه هستند و اداره هر امری از امورات دولتی به عهده ایشان مفوض و مرجوع است - از این قرار، در روزهای مشخص باید عارض شده و مطالب متعلقه به خود را به عرض حضور مرحمت ظهور شاهنشاهی - روحنا فداه - رسانده، جواب حاصل خواهند نمود و از وزارتخانه - که حقی از آن روز ندارند - نباید مطلبی را اظهار نمایند، مگر خیلی فوری راه، که لابد از عرض آن باشند.
روز شنبه، مخصوص جناب سپهسالار است که شرفیاب شده، امورات متعلقه به قشون و عساکر منصوره



کلیه امورات قشون به عرض خواهد رسید. روزهای شنبه، سپهسالار صبح از همین اجزا بدون احضار حاضر خواهد بود. اگر احياناً وقتی خود سپهسالار به علت عارضه از خصوص سوءمزاج و غيره از شرفیابی متعذر باشد، نایب اول ایشان - که کشیکچی باشی است - با همین اجزا حاضر خواهند شد و مطالب را معروض خواهند داشت و اگر برای اجزای متعینه هم عایقی موجه دست دهد، عوض از لشکرنویسان - که سپهسالار صلاح می‌داند - معین خواهد کرد و بعضی از سفرها و شکارگاه‌ها - که سپهسالار ملتزم رکاب نیست - مطالب متعلقه را به طوری او از دارالخلافه خواهد فرستاد که روز جمعه به نایب و کسانی که باید از جانب سپهسالار به عرض برسانند، برسد که روز شنبه به طوری که در دارالخلافه به عرض می‌رسد، بی تفاوت در همه جا به عرض برسانند و اگر سپهسالار خود در رکاب باشد، بشخصه^{۱۵} به عرض خواهد رساند.

روز شنبه از صبح تا بعدازظهر مخصوص جناب سپهسالار است. از آن به بعد جناب عین‌الملک - اگر عرضی داشته باشد - حاضر شده، به عرض خواهد رساند.

[اثر مهر بیضی] انا عبد من عبید محمد ۱۲۷۶

اگر این بنده در آن ساعت معذور باشد، برحسب حکم مبارک، میرزا حسن مستوفی را در مطالب ولایات حضور مبارک می‌فرستد.

[اثر مهر بیضی] عین‌الملک ۱۲۷۰

روز یکشنبه، مخصوص عرض عارضین است که هر کس عرض و مطلبی داشته باشد، جناب اعتمادالسلطنه به حضور مبارک آورده، مطالب متعلقه دیوان عدلیه اعظم را به عرض خواهد رساند^{۱۶} و احکام لازمه را در همان روز به نظر مبارک رسانده، به صبح^{۱۷} همایون مقرون خواهد ساخت و سوای روز یکشنبه، از امورات دیوان عدالت چیزی به عرض نخواهد رسید و جمیع مطالب یادداشت و حاضر شده، در همان روز یکشنبه معروض خواهد داشت و همان روز یکشنبه پس از عرض مطالب دیوانخانه، حاجی میرزا محمدخان وزیر وظایف مشرف

شده، مطالب متعلقه به امورات وظایف و موقوفات را به عرض خواهد رساند و اگر وزیر وظایف، به علت عارضه نتواند شرفیاب شود، میرزا علی خان پسرش مطالب را به عرض برساند.

امید دارد از توجه ملوکانه عارضه‌ای به هم رسد تا نایب تعیین نماید.

[اثر مهر مربع] اعتمادالسلطنه ۱۲۷۹

[اثر مهر بیضی] عبده الرّاجی محمد

روز دوشنبه تعطیل است ولکن بروات و فرامین و احکام که نزد آقاخان جمع می‌شود، بیاورد به صبح^{۱۸} برساند و اگر در آن روز سواری و شکاری اتفاق افتد، همان بروات و احکام را به احدی که ملتزم رکاب است و خود صلاح می‌داند، بسپارد که هر جا موقع و فرصت شد، به صبح^{۱۹} همایون برساند.

[اثر مهر بیضی] العبد المذنب، آقاخان ۱۲۷۷

روز سه‌شنبه، جناب وزیر امور دول خارجه، مطالب خود را - آنچه متعلق به خارجه است - به شرحی که نوشته شده است، حاضر شود یا یک نفر از نایب‌های اول که خود صلاح می‌داند.

[اثر مهر بیضی] سعید الانصاری ۱۲۶۹

روز چهارشنبه، جناب مستوفی‌الممالک عرایض متعلقه به دفترخانه مبارکه و محاسبات ولایات را به عرض برساند. اگر در آن روز حسابی تمام نشده باشد و مطلبی نداشته باشد، عرض کند، مطلبی نیست. چنانچه به جهت عارضه خود نتواند شرفیاب شود، میرزا هدایت مستوفی آمده، عرایض و محاسبات را عرض کند. جناب امین‌الدوله هم - به شرحی که نوشته شده است - در آن روز حاضر شود. اگر به علت عارضه متعذر باشد، مطالب را برای امین خلوت بفرستد. اگر امین خلوت هم در آن روز نتواند حاضر شود، هرکس را که خود امین‌الدوله طرف وثوق و اعتماد می‌داند و قابل شرفیابی حضور است، مثل وقایع نگار و غيره، به جهت عرض مطالب حاضر خواهد شد.

این چاکر درگاه، عرض و مطلبی ندارد مگر عرض

محاسبات؛ هر روز که تمام شد، انشاءالله روز مقرر به عرض حضور مبارک می‌رساند.

[اثر مهر بیضی] یوسف بن محمدحسن ۱۲۶۵،
حسب الامر اطاعت می‌شود.

[اثر مهر بیضی] عبده الرّاجی، فرخ ۱۲۷۷

روز پنجشنبه، دبیرالملک با نوشتجاتی که از ولایات رسیده است و مطالبی که دارد، حاضر شده، به عرض برساند و جواب بگیرد. ولکن جواب نوشتجات که در غُره و نیمه [ماه] به ولایات ایفاد می‌شود و باید به نظر برسد و به مهر و به صحنه برسد، از این حکم مستثناست،^{۲۰} هر وقت حاضر است باید به نظر برساند. سایر نوشتجات و مطالب که از ولایات می‌رسد، در همان روز پنجشنبه به عرض برساند و در همین روز از ظهر به بعد نواب اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، امورات متعلقه به خود را از تجارت و صنایع و علوم و مدرسه و غیره را به عرض برساند و اگر متعذر باشد، نایب اول خود میرزا یحیی یا دیگری را به حضور همایون بفرستد که مطالب را عرض کنند.

انشاءالله تعالی حسب الامر اطاعت خواهد شد؛ لکن خوب است حکم شود و کلاً هم نوشتجات هر وقت می‌رسد، به این بنده بدهند که در همان روز آورده و به نظر مبارک برساند و جواب بگیرد که جداگانه موجب زحمت وجود مبارک نشوند.

[اثر مهر بیضی] دبیرالملک ۱۲۷۳

به چشم اطاعت می‌شود.

[اثر مهر بیضی] اعتضادالسلطنه»

دومین سند که در سال ۱۳۸۲ ش. و جزو اسناد خاندان مستوفی، برای کتابخانه ملی ایران خریداری شد، جزوه‌ای است که تاریخ ندارد اما با اشاره به سال اودئیل در متن، متعلق به سال ۱۲۸۲ ق. است. این جزوه - که سندی در ۴ ورق (۸ برگ و ۱۶ صفحه) است - نشان از ضعف شورای دولتی دارد و شاه، تلاش می‌کرده یک هیئت سه نفره را از وزیران تقویت نماید و بر سایر وزیران رحجان دهد و آن مثلث وزیران سه‌گانه، سیدجعفر مشیرالدوله وزیر امور خارجه، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک و محمدخان

سپهسالار می‌باشند. متن سند، به شرح زیر است:
«فرمایشات شفاهی، همان بود که شفاهاً حکم شد و مطلب معلوم بوده، وزیر خارجه عرض کرد از قول شماها که بنوشته بنویسم منظورات خود را، این است که نوشته می‌شود:

- اولاً بنا بر عدم همراهی مزاج - که یک سال است دارم - به تنهائی بدون معاونت نوکران بزرگ خود نمی‌توانم به جمیع امورات دولتی، از جزئی و کلی آن طوری که باید برسم و از این جهت بسیار می‌ترسم خدا نخواستہ نقصی در کار دولت به هم برسد و اگر بخواهم آن طوری که باید و شاید به امورات برسم، یقیناً مزاج همراهی نخواهد کرد. پس لابد در این اول سال اودئیل خیریت دلیل، قرارهای تازه برای گذراندن و پیشرفت امور دولت باید داده شود و آن، این است که در دفعات دیگر [ص ۲] نوشته می‌شود.

- اولاً امور دولت که اهم و اوجب کارهاست و او را درحقیقت کار دولت می‌توان گفت، سه چشمه است:

اول وزارت جنگ؛

دویم وزارت مالیه و داخله؛

سیم وزارت خارجه.

این سه کار که موافق قاعده منتظم شد، همه کارهای دولت منظم است و الا برعکس و سایر امورات و مناصب در رساندن موجب مردم، و دخل و خرج ولایت و تشخیص و تعیین نیک و بد حکام، و تعویض آن‌ها، و غیره و غیره و غیره، همه در جوف کارهای عمده سه‌گانه است و الحمدلله در سر شغل این سه کار اشخاصی هستند که مایه کمال اطمینان من است [ص ۳] که کار را از پیش خواهند برد؛ و من این سه نفر را - که سپهسالار و مستوفی‌الممالک و وزیر خارجه باشد - یک نفر تصور کرده، جمیع انتظام کار دولت را از جزئی و کلی از آن‌ها می‌خواهم؛ و این سه نفر، باید طوری متفق و متحد و با هم چسبیده باشند که هیچکس خیال و تصور جدائی از آن‌ها نداشته باشد، و هیچکس نتواند در میان آن‌ها فساد و یا مغلظه برپا کند، چنانچه [کذا] سابقاً





می کرده‌اند. از هیچ حرف و راست و دروغ مردم خاطر تان آشفته و پریشان نشود و گوش به حرف هیچکس ندهید. تا خدمات شما خوب است، هیچکس نمی‌تواند به شما ایرادی بگیرد. ملاحظه خدمت و کار خود را بکنید. عبث متزلزل نشوید. مثل میرزا آقاخان - که از بس حرف‌های دروغ زنانه و [ص ۴] مردانه را گوش کرد - آخر خودش را تمام کرد.

- ثانیاً آنچه عرض بکنند و مصلحت بدانند و به ما تکلیف کنند، ما صوابدید آن‌ها را در کمال رضا و صحت قبول خواهیم کرد. صوابدید آن‌ها را ابداً رد نخواهیم فرمود؛ مگر چیزی باشد که به ادله با شما بگویم در رد و قبول. خلاصه، این است که آنچه مصلحت دولت است و عرض کنند، البته قبول خواهد شد بدون حرف، چه جزئی و چه کلی؛ مصلحت آن‌ها را خیر خودم و دولت می‌دانم و قبول خواهیم کرد.

- ثالثاً کمال اقتدار و تسلط را ما به شما می‌دهیم که در اوامر و نواهی و کارهای دولت با کمال تسلط رفتار کنید و از هیچ چیز - انشاءالله تعالی - عجز به هم نرسانند.

- رابعاً آنچه عرض دارند و به حضور باید برسد یا خودشان آمده، عرض کنند [ص ۵] جواب بگیرند، یا بنویسند، یا به وزیر خارجه بگویند، او آمده عرض کند، جواب بگیرد. دیگر به توسط هیچکس و احدی نمی‌خواهم به من عرض بکنند، ابداً ابداً.

- خامساً تفصیلی ندارد. همان اقتدار و تسلط که وزرای قدیم ایران داشته‌اند [مثل حاجی میرزا آقاسی و میرزا تقی‌خان و میرزا آقاخان، من به شما می‌دهم و خدمات و کارهای جزئی و کلی را، انتظامش را از آن‌ها می‌خواهم. حال هر عرضی که در انتظام این عمل و کارهای خود دارند، بکنند.

- سادساً نمی‌دانم با حالتی که حالا دارند این سه نفر و به همین سیاق [ص ۶] از عهده کار می‌توانند برآیند یا باید حالت‌های سابق آن‌ها تغییر کند! یعنی با همین شأنی که داشته و دارند و مراتبی که داشته و دارند، کار را از

پیش خواهند برد یا طور دیگر و قسم دیگر باید بشود؟ این فقره‌ها را باید خودشان به عرض برسانند، خیلی زود. عمده کار، فهمیدن این است. عمده کار از تسلط و نفاذ امر، و ترسیدن مردم است به اندازه از شماها. والله، کار به سستی و آبام جانم از پیش نخواهد رفت.

- تا می‌توانید خزانه دولت را معمور بخواهید. عمده اعتبار دولت از داشتن پول است و الا ورشکست چه مصرفی دارد؛ و از خزانه تا می‌توانید انشاءالله پول بیرون بیاورید، بلکه هر سال انشاءالله اضافه کنید. اهم امور این است.

- [ص ۷] تسهیل کارها باید این طور باشد:

بروات و فرامین و اسناد خرج، و بروات موجب و غیره و غیره [را]، به هیچ‌وجه لازم نیست من صحنه بگذارم. مثلاً چند برات اسناد خرج، یا برات موجب، یا چند طغرا فرمان حاضر می‌شود؛ معلوم است شماها دیده و به صحت و سقمش رسیده‌اید. فهرست آن‌ها را نوشته، با آن فرامین و بروات به حضور می‌آورند، فهرست را می‌خوانند، در گوشه فهرست وزرا می‌نویسند که بروات و فرامین از این قرار است. آن وقت من در آن فهرست می‌نویسم، به مهر برسد؛ ببرند مهر کنند. حواله بروات هم به هیچ‌وجه دخلی به ما ندارد و حواله نخواهم کرد. مختصر این است [که] من با جمع و خرج و باقی و فاضل و موجب و جیره مردم و قشون و غیره کار ندارم. باید خودتان بگیرید، خودتان برسانید.

- [ص ۸] دستورالعمل‌ها و محاسبات ولایتی را همان طور که همیشه به اختصار مستوفی‌الممالک عرض می‌کرد، باز هم بکنید، عیب ندارد.

- نوشتجاتی که از ولایات و دول خارجه و سفرا و غیره و غیره به وزارتخانه‌ها^{۲۱} رسید، باید همه را خودشان بخوانند و جواب بدهند. مطالب عمده آن‌ها را خلاصه کرده، به عرض برسانند، و اگر جوابی لازم است من بدهم، خواهم داد. اما باید مطالب خارجه و داخله - آنچه معتابه و عمده است - به عرض برسد. چیزهای بی‌معنی و طمع‌های بیهوده [را] لازم نیست به عرض برسانید.



به مردم، [ص ۱۳] که هر کس خود را از ادنا^{۲۳} و اعلا^{۲۴} شخصی می‌داند و این، بسیار بسیار بد وضعی است. باید این عادت را به مرور از سر آن‌ها بیرون بیاورید؛ یک دفعه هم نمی‌شود.

- در هیچ کار دولت، اغماض و چشم‌پوشی و ملاحظه هیچ شخص را نباید کرد. اگر من هم بد کنم، باید بگوئید. اگر پسر شما بد می‌کند، باید سرش را ببرند.

- دور و اطراف وزرا آدم‌های ناشایسته ناقابل نباید باشند که وزرا را بدنام کنند، و دلگی^{۲۵} کنند، رشوه و اخاذی کنند؛ و گرفتن پیشکش و رشوه و تعارف، باید موقوف باشد. هر چه پول بخواهند از آبادی خالصه‌جات و تفاوت عمل حکام [ص ۱۴] بقاعده می‌توان گرفت که به هیچ‌وجه دولت و نوکرهای او بدنام نشوند. در اول وهله^{۲۶} [کذا] خیلی باید این ملاحظه را کرد.

- خوشدلی و آسودگی رعایای مملکت بر همه چیز مقدم است. هر تدبیری که می‌توانید مضایقه نکنند از این فقره.

- ارزانی و فراوانی نعمت‌های خدا در همه جا لازم است. باید نگذارند که حکام و غیره، برای جلب نفع خودشان در نرخ‌ها به اختیار خود قرارها بگذارند و گران نمایند. عمده باعث فقیری و پریشانی و بددعائی رعیت [ص ۱۵]، از گرانی [و] تسعیر است.

- هر جا کسی که ظالم باشد، باید ریشه او را درآورد. این ملاحظه را خیلی خیلی بکنند و همه جا حکام عادل بگذارند. اگر بالفطره ظالم هم باشد، باید طوری نظم بگذارند و مردم را بترسانند که نتوانند ظلمی بکنند، انشاءالله. اگر ظلمی بشود، مؤاخذه او را، خدا و من از شما خواهم کرد.»



پی‌نوشت‌ها

۱. در تاریخ ریاست قوه اجرائیه کشور، با چند عنوان، و با اختیارات متفاوت عبارت بودند از:

- صدراعظم که بر همه وزیران ریاست داشت.

- صندوق عدالت را نمی‌توان متوقف کرد. عرایض آن‌ها را یکجا [ص ۹] پیش شما می‌فرستم. احکامش را شما به امیر دیوانخانه بکنید. اتمام عمل عرایض مردم را بعد از تمام شدن، وزیر دیوانخانه به عرض برساند که عرایض مردم چه طور به اتمام می‌رسد.

- تا به حال احکام عرایض را من می‌کردم. حال عرایض را که به حضور آوردند، یکجا پیش شما می‌فرستم، بعد از آن که سر عرایض باز شد.

- چاپاران غره و ۱۵ را شما بفرستید به ولایات، و جواب حکام را بدهید؛ مگر این که در هر ولایت یک فرمان از ما صادر شود.

[ص ۱۰] خدماتی که انشاءالله از وزرا خواسته می‌شود، از این قرار است:

- اولاً نظم قشون پیاده و سواره که اهم امورات است.

- ثانیاً تطبیق جمع و خرج ولایت و مملکت که از همه واجب‌تر است. جمع باید با خرج مطابق باشد. بعد از وضع جمع و خرج، سالی یک کرور باید به اسم وجوه مخصوص، به خزانه اندرون رود. گیلان و یزد همان طور موضوع باشد و پولش به خزانه برسد یعنی جزء یک کرور است. [ص ۱۱] اگر در خرج زیادتی ببینید، مختار هستید که وا بزنید. هر قدر هم در ولایت تفاوت عمل باشد [ص ۱۲] که حکام می‌برند و می‌خورند، باید به دیوان برسد. حاکم فلان جا غلط می‌کند از اندازه خودش بیش‌تر می‌برد.

- نظم و انتظام درب خانه و شکوه و رونق آن، یکی از لوازم کار است.

- نظم دیوانخانه عدلیه بسیار واجب است. شخص بی‌غرض و مطمئنی می‌خواهد. انصافاً بهاءالملک، شایسته این کار است. در کار او تقویت کنند.

- قرار نظم خراسان و آذربایجان را به زودی بدهند. کار هر دو این ولایات شلوغ^{۲۳} [کذا] است و کم‌کم به جای بد خواهد رسید.

- بعد از وزارت میرزا آقاخان، طوری عادت شده است



- رئیس شورای وزیران که در فاصله عزل آقاخان نوری و انتصاب میرزا حسین خان سپهسالار مسئولیت داشت.
- رئیس‌الوزرا که براساس قانون اساسی مشروطیت تأسیس شد و معمولاً یکی از وزیران ارشد کابینه (وزیر داخله، جنگ، مالیه) با حفظ سمت، ریاست هیئت وزیران را به عهده داشت.
- نخست‌وزیر که براساس قانون وظایف وزیران، ریاست شورای وزیران را به عهده داشت اما خود وزیر نبود.
- ریاست جمهوری که با حذف پست نخست‌وزیری در سال ۱۳۶۸ ش، ریاست دستگاه اجرائی و هیئت وزیران را به عهده گرفت.

۲. اصل: مجری.
۳. اصل: کلیه.
۴. اصل: مجری.
۵. اصل: کلیه.
۶. اصل: مجری.
۷. اصل: مجری.
۸. اصل: کلیه.

۹. برای سیاهه‌ای از انواع آئین‌نامه‌ها و قوانین صادره در دوره ناصرالدین شاه، بنگرید به: زرگری‌نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۲).
قانون حکومت ایران (سومین قانون اساسی عصر ناصری)، تاریخ، ۴، صص ۱۱۱-۱۳۷.

۱۰. اصل: مستثنی.
۱۱. اصل: کلیه.

۱۲. اصل: همیون.

۱۳. نفیر: گروه مردم (لغتنامه دهخدا); نفیراً: گروهی، کلی.

۱۴. قطمیر: یک ششم نفیر (لغتنامه دهخدا); قطمیراً: جزئی.

۱۵. اصل: به شخصه.

۱۶. اصل: معروض خواهد رساند.

۱۷. اصل: بصح; صح [sah]: امضا، تصدیق. (لغتنامه دهخدا)

۱۸. اصل: بصح.

۱۹. اصل: بصح.

۲۰. اصل: مستثنی است.

۲۱. اصل: وزار تخانها.

۲۲. اصل: شلوق.

۲۳. اصل: ادنی.

۲۴. اصل: اعلی.

۲۵. اصل: دله‌گی.

۲۶. اصل: وحله.

کتابنامه

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری (ج ۳). (محمداسماعیل رضوانی، مصحح). تهران: دنیای کتاب.
۲. ----- (۱۳۶۷). مرآت البلدان (ج ۲ و ۳). (عبدالحسین نوائی، مصحح). تهران: دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

